وقایع فارس و حوادث جنگ بین الملل اول

اخگر، احمد

(به تصویر صفحه مراجعه شود) مدتی این مثنوی تأخیر شد و علت این تأخیر اضطراری‏ ارسال مقاله‏های متعدد و محققانه از دانشمندان و فاضلان ایران‏ و ایران‏شناسان خارج بود.

اکنون که تصمیم به نشر مجله دو هفتگی وحید گرفته‏ایم و با همه مشکلاتی که در پیش است این راه پرنشیب و فراز را پیمودن‏ آغاز کرده‏ایم فرصت پیش‏آمده است تا نشر نوشته‏های نیمه تمام‏ را در مجله ادامه دهیم و خرسندیم که سلسله مقالات مرحوم‏ سرهنگ اخگر را که خود شاهد عینی وقایع و حوادث آن بوده است‏ دنبال می‏کنیم.

از صاحبنظران توقع و انتظار داریم تا اگر توضیحاتی بر این‏ نوشته‏ها دارند به مجله وحید بفرستند و همچنین از کلیه کسانیکه‏ از حوادث و وقایع فارس اسناد و مدارک و عکسهای تاریخی دارند توقع داریم بمنظور روشن شدن گوشه‏های تاریک این وقایع آن مدارک را التفات دارند تا بنام خودشان در مجله درج شود(و)

اتحاد با سردار عشایر:سال قبل مشارالیه با قوام الملک اتحاد کرده بودند در این موقع با اردوی‏ خودش بنزدیکی کازرون میآید باعث سوءظن گردیده در موقع جنگ سردار عشایر ایلخانی‏ کازرون برگشته بود.

پس از اتمام جنگ مسیوو سعوس روانه شیراز شد یک روز بعد حکمی به سلطان اخگر میرسد که‏ فورا به شیراز برود.وی حرکت کرده وارد میشود و ورود خود را اطلاع میدهد در ضمن مطلع میشود که مابین اهالی و ژاندارمری پس از جنگ بواسطه خساراتیکه به مردم و خرابی که به خانه‏ها وارد شده قدری کدورت حاصل گشته است.در آنوقت حاج مشیر الملک رئیس نظمیه و یاور علیقلی خان معاون ژاندارمری و نصیر الملک نایب الایاله برحسب پیشنهاد سلطان اخگر یاور علیقلی خان به مسجد نو رفته نطقی در مجمع عموم مینماید و به اهالی وعده میدهد که‏ ژاندارمری خانه‏هائیکه خراب شده ساخته و اموالی را که بغارت برده‏اند جمع و به صاحبانش‏ مسترد خواهد داشت.در این ضمن قرار شد اردوئی یطرف لار برای تعقیب قوام الملک و وصول مالیات حرکت کند.ژاندارمری مشغول حرکت اردو شد و با الجمله قدری اصلاح ذات البین‏ فراهم آمد.

مأموریت سلطان اخگر برای ملاقات با صولت الدوله:

سلطان اخگر مأموریت یافت حرکت کرده مشارالیه را ملاقات و عقیده ایشان را بفهمد. به چاپاری عازم کازرون شد و از آنجا باتفاق سالار نصرت حاکم کازرون و منتصر الملک پسر عطاء الدوله مشارالیه را ملاقات و ایشانرا حاضر به اتحاد با ژاندارمری و جنگ با دولتین‏ مینماید اخگر از طرف ژاندارمری ایشانهم اصالتا به کلام الله مجید مواد دوگانه را قسم یاد نمودند:

1-بر علیه دولتین جدا اقدام نموده علی العجاله 1500 نفر سوار و پیاده به فرونت‏ چغارک بفرستد.

2-با ژاندارمری متحد،با دوست آن دوست و با دشمن،دشمن باشد.

اخگر فوری عین معاهده را تلگرافا به شیراز اطلاع میدهد جواب تبریک از اطراف و ولایات میرسد بازار کازرون را هم چراغان مفصل میکنند-مردم از صمیم قلب این اتحاد بزرگ را تبریک گفته امیدوار بودند که باینواسطه از تجاوز اجانب بتوانند جلوگیری نمایند. اخگر تا سه ماه در کازرون متوقف بود مشغول وصول مالیات‏های عقب‏افتاده و واسطه‏ ارتباط امورات شیراز بود.در این اوقات روز دهم ربیع الاول رسید که در این روز روسها مرقد مطهر امام رضا(ع)را بمباران کرده بودند.کمیته محلی فرقه دموکرات تعزیه‏ داری مفصلی در مسجد نو نمودند و خطبا و واعظین نطقهای مفصل کردند،دسته آنها از هر سوی آمده وارد عزاخانه میشدند.

اردوی سردار عشایر که سرکردگی سرداری حسنخان را دارد و به دو فرسخی برازجان‏ رسیده.اخگر هم پس از آنکه از وصول قوای شیراز مأیوس میشود حرکت کرده به برازجان میرود حسنخان و سایر آقایان را ملاقات کرده برای فرستادن عده از قشقائی،نفرات جنگ زیادی‏ مینماید بالاخره نتیجه حاصل نمیشود.

در همین ایام اردوی لار مرکب از پیاده و سواره و چریک به ریاست سلطان ابو الفتح خان‏ بطرف لار حرکت کرده در قطب‏آباد حاج محمد حسین قطب‏آبادی که از سران اشرار و متمردین بود جنگ سختی کرده فاتح روبه لار میروند.نصر الدوله پسر قوام هم به اردوی سردار عشایر پناهنده میشود،قوام الملک هم ببوشهر رفته نزدقشون انگلیس استرات میکند.

منتصر دیوان هم به وعده پول و فشنگ انگلیسیها ببوشهر رفته قدری دریافت و مراجعت‏ نمود،در راه مشغول راهزنی میشود.محمد خان کشکولی هم با او مساعدت میکرد.سلطان‏ اخگر چند دفعه به خود محمود خان پروتست و به سردار عشایر شکایت میکند نتیجه نمیدهد ناچار ایشان هم به کمانچیها اجازه میدهد که تلافی کنند آنها هم رفته مقداری از اموال‏ سارقین را غارت و آنها را مجبور کردند که مقداری از راه عمومی دورتر شوند.

قوام الملک نیز مقدار زیادی توپ و تفنگ و مبلغ هنگفتی پول از انگلیسیها گرفته از راه بندر عباس برای مقابله با اردوی مأمور لار روانه میشود،مجاهدین صولت الدوله نیز یکمرتبه حرکت کرده باتفاق نصر الدوله برای جنگ با اردوی مأمور لار حرکت میکنند عربهائیکه‏ بطور چریک با اردو بودند فرار کرده به نصر الدوله ملحق میشوند.

اردوی لار بدون ظرفیت توپها را گذاشته فرار میکنند و باعث بر هم خوردن سیاست فارس‏ شدند.از طرفی هم بر طبق اشاره انگلیسیها حیدر خان حیات داودی و محمد علی خان شبانکاره‏ که محرمانه با سلطان اخگر قسم خورده بودند با ملت همراهی کنند و با محمد خان کشکولی‏ مشغول تجهیز شدند که یکمرتبه از سه سمت حمله کنند،انگلیسیها خودشان نیز حاضر شده‏ بودند که از جبهه جنوبی حمله‏ور شوند.

قشون‏کشی حیدر خان بواسطه مخالفت دو نفر از رؤسا که سابقا اخگر با آنها مکاتبه‏ داشت موقوف شد شبانکاره‏ها هم همین را بهانه از اردوکشی منصرف شدند.محمد خان کشکولی هم تنها مانده.محمد علی خان ضرغام برازجانی که از طرفی آنها را تهدید میکرد آسوده شدند ولی جنگهای شبانه مجاهدین برای آزار و اذیت انگلیسها هر شب مداومت‏ داشت محمد علیخان ضرغام عشایر کشکولی هم به برازجان آمد بالاخره بوسیله اخگر طرفین‏ را راضی میکنندکه برای رفع غائله مزارعی که موضوع منازعه فیمابین بود به محمد علیخان‏ واگذار نمایند.همین نوع هم شد محمد علی خان و مسیوو اسموس در منزل اخگر مهمان بودند که خبر شکست اردوی لار رسید.